

استعاره‌های مفهومی در آثار منثور جبهه و جنگ با رویکرد معناشناختی

تورج دشمن‌زیاری^۱

دکتر سید محمود سید صادقی^{*۲}

دکتر سید احمد حسینی کازرونی^۳

چکیده

به دلیل ماهیت جنگ در ذهن زنان و مردان، شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی میان استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های به کار رفته در روایت‌های مردانه و زنانه از جنگ وجود دارد. در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی در روایت‌های زنانه و مردانه، از حوزه‌های مبدأ مختلفی در روایت‌های زنانه و مردانه دفاع مقدس استفاده شده است. معنای فرهنگی دفاع مقدس در روایت‌های زنانه، تفاوت‌هایی با معنای فرهنگی این پدیده در روایت‌های مردانه دارد. پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی است که با روش کتابخانه‌ای به بررسی استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های فرهنگی در روایت‌های زنانه و مردانه از دفاع مقدس پرداخته است، محقق در این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست که آیا تفاوت مفهوم‌سازی‌های مردانه و زنانه از جنگ را می‌توان در قالب نظریه استعاره مفهومی و طرحواره‌ها بررسی کرد؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های به کار رفته در روایت‌های زنانه و مردانه از جنگ وجود دارد؟ در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی در روایت‌های زنانه و مردانه از چه حوزه‌های مبدأ استفاده شده است؟ معنای فرهنگی جنگ در روایت‌های زنانه چه تفاوتی با معنای فرهنگی این پدیده در روایت‌های مردانه از جنگ دارد؟ نتایج پژوهش بیانگر آن است که تفاوت‌های مفهوم‌سازی‌های مردانه و زنانه از جنگ، در قالب نظریه استعاره مفهومی و طرحواره‌ها قابل بررسی هستند.

واژگان کلیدی: استعاره‌های مفهومی، طرحواره‌های فرهنگی، روایت‌های زنانه، روایت مردانه، دفاع مقدس.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Email: turaj1346d@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

Email: sadeghi.mhmood33@yahoo.com

۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Email: Sahkazerooni@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۵/۱۶

مقدمه

طرحواره‌های فرهنگی، بخشی از مدل‌های فرهنگی هستند و در درون مدل فرهنگی جای می‌گیرند. چندین طرحواره فرهنگی که در کنار هم قرار بگیرند، یک مدل فرهنگی را شکل می‌دهند و این طرحواره‌های فرهنگی که با هم یک الگوی فرهنگی را شکل می‌دهند، در اذهان افراد گوناگون، متفاوت هستند و هیچ وقت طرحواره‌های فرهنگی در بین افراد با هم، همپوشانی کامل ندارند. رشد طرحواره‌های فرهنگی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اخیر در انسان‌شناسی شناختی بوده است. طرحواره‌های فرهنگی در عین حال، مسائل عمده‌ای از جمله ماهیت فرهنگ بسیار راهگشا بوده‌اند. طرحواره‌های فرهنگی، همان گونه که از اسم آنها بر می‌آید به فرهنگ وابسته هستند و از هر فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت می‌باشند؛ البته می‌توانند همپوشانی‌هایی هم داشته باشند.

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) این موضوع را به اثبات رسانده‌اند که بین فرهنگ و استعاره، رابطه مستحکمی وجود دارد و در این باره معتقدند که «انسجام پایه‌ای‌ترین ارزش‌ها در یک فرهنگ با کمک ساختارهای استعاره‌ی مفاهیم بنیادین موجود در فرهنگ، صورت می‌گیرد.» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴: ۱۱۳) از طرف دیگر، بر اساس گفته‌های کووچش (۲۰۰۶)، استعاره از جهات متعددی با فرهنگ مرتبط است و استعاره‌های مفهومی‌ای که در زبان، کاربرد فراوانی دارند از مؤلفه‌های اصلی فرهنگ قلمداد می‌شوند. همچنین، زبان نیز به‌نوبه خود شاخص مهمی برای استعاره‌های مفهومی به حساب می‌آید. استعاره مفهومی در درک بهتر فرهنگ و محیط اجتماعی - فرهنگی، نقش مهمی دارد و نکته مهم آن، در این است که استعاره‌ها دارای پایه‌ای تجربی هستند، یعنی، آنها با نحوه تجربه واقعیت، توسط انسان‌ها ارتباط دارند. (گیرارتز، ۲۰۰۶: ۸-۲۷) زبان فارغ از استعاره نیست. ما در زبان روزمره از استعاره‌های زیادی استفاده می‌کنیم که گاهی خودمان هم واقف به استفاده از آنها نیستیم. در واقع استعاره‌ها بخش گریزن‌ناپذیری از زبان ما هستند که بررسی آنها باعث روشن شدن تفکر، اندیشه و نگرش افراد نسبت به آن پدیده می‌شود. ما برای بیان موضوعات انتزاعی مثل زمان، زندگی، مشکلات و مسائل و پدیده‌های حائز اهمیت و پیچیده از

استعاره استفاده می‌کنیم. جنگ یکی از این پدیده‌های پیچیده زندگی بشر کنونی است و در طول تاریخ، همیشه جنگ یکی از عوامل اصلی تحولات و دگرگونی‌های جوامع بشری بوده است که گاهی سبب ایجاد حرکت و زایش در فرهنگ، زبان، سنت‌ها و باورها شده است. جنگ باعث ایجاد دگرگونی در ادبیات هر کشوری می‌گردد و در واقع، باعث ایجاد باب نوینی در ادبیات می‌شود؛ بنابراین بررسی استعاره‌های مربوط به جنگ در ادبیات دفاع مقدس ما را به درک هر چه بهتر آن کمک می‌کند. در واقع مسأله پیش روی این پژوهش این است که استعاره‌هایی که در گفتمان جنگ به کار رفته چه تصویری از پدیده جنگ و دفاع نشان داده است؟ و نگرش کلی نسبت به ابعاد مختلف آن چیست؟ این پژوهش بر آن است که از طریق استعاره به تصویرسازی‌هایی که افراد از پدیده جنگ و مسائل مربوط به آن نظیر؛ دشمن، نیروی خودی، ابزارآلات جنگی، فضای جنگ، مرگ، آثار جنگ و... دارند، دست یابد، و در واقع به دنبال مسأله قطبی‌سازی موضوع است که بدانند آیا نگاه به نیروی خودی مثبت و توصیف و نگرش به نیروی دشمن منفی است و روشن می‌کند که از چه حوزه‌های مبدایی برای نیروی خودی و نیروی دشمن استفاده شده است و چقدر این حوزه‌ها متأثر از فرهنگ می‌باشد. در همین راستا، پژوهش حاضر برآن است تا با توجه به دستاوردهای تحقیقات انجام شده در رابطه با زبان‌شناسی اجتماعی شناختی در چارچوب معناشناسی شناختی با بررسی استعاره‌ها و طرحواره‌های موجود در متون داستانی - روایی زنانه و مردانه از جنگ دوران جنگ تحمیلی به خوانش دقیق‌تری از تفاوت دیدگاه جنسیتی نسبت به جنگ دست یابد، و ساحت‌های تازه‌ای از معنای ذهنی - شناختی جنگ را با اتکا به رویکرد نظری استعاره و طرحواره شناختی آشکار سازد.

پیشینه تحقیق

ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۲۱) معتقدند که وظیفه زبان‌شناسی، ارائه نظریه‌ای درباره چگونگی زبان و درباره نظام مفهومی است که زبان آن را بیان می‌کند و زبان‌شناسی شناختی، زبان را پدیده‌ای می‌داند که ساختارهای مفهومی و مکانیسم‌های عمومی شناخت را به کار می‌برد.

هرمن (۱۱۹: ۲۰۰۷) نیز بر این باور است که روایات مکتوب و غیر مکتوب به نوعی باعث افزایش منطق شناختی انسان می‌گردد و با الگوهای قابل درک، رویدادها و موقعیت‌های گوناگون را نشان می‌دهد.

مهربانی گلزار و خمسه عشری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «منظر یادمانی جنگ: از واقع‌نمایی تا استعاره» به این موضوع اشاره کرده‌اند که جنگ، امری خوشایند نیست و یادآوری خاطرات آن هم نازیباست؛ اما در ورای جنبه‌های تلخ و سیاه هر جنگ، می‌توان به جنبه‌های سفید این پدیده نیز نظر کرده و حتی آنها را به نسل‌های نو یادآوری کرد.

معروف (۱۳۹۵) به «بررسی استعاره در ادبیات دفاع مقدس» پرداخته است. مقاله با استفاده از نظریه «استعاره مفهومی» به بررسی استعاره‌های شهید و شهادت در شعر دفاع مقدس می‌پردازد. موسوی و زابلی‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش استعاره در گفتمان خبری رسانه‌های بین‌المللی» به بررسی استعاره‌های به کار گرفته‌شده در گفتمان‌های خبری بین‌المللی پرداخته‌اند.

افراشی و مقیمی‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی استعاره‌های مفهومی شرم در ادبیات کلاسیک» با استناد به اشعار کلاسیک فارسی قرن ششم تا دهم هجری استعاره‌های مفهومی شرم را تحلیل کرده‌اند. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که با به دست آوردن ۲۲۰ شاهد از ابیاتی که در آنها مفهوم شرم در قالب استعاره مفهومی در آن به کار رفته، حوزه‌های مبدأ استخراج و ده نام نگاشت برای استعاره در نظر گرفته است.

شرف‌زاده و زارع (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی استعاره ترس در زبان فارسی»، شش استعاره مفهومی که شامل «ترس مرگ است»، «ترس بی‌حرکتی است»، «ترس سیال است»، «ترس گیاه است»، «ترس سرما است» و «ترس حیوان درون است» می‌باشد را در حوزه مقصد ترس بررسی نموده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در تمامی موارد با توجه به اینکه حوزه مبدأ در معنایی غیر از معنی واقعی خود به کار رفته، دارای ساختی انتزاعی است. آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یاد شده می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی مستقل در رابطه با بررسی

مفهوم‌سازی جنگ در روایت زنان و مردان از دوران جنگ تحمیلی با رویکرد معناشناختی، صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت گرفته و نوآورانه است.

روش پژوهش

نویسنده در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای به بررسی مفهوم‌سازی جنگ در روایت زنان و مردان از دوران جنگ تحمیلی با رویکرد معناشناختی پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در آثار دفاع مقدس به‌عنوان نمونه‌ای از شعر و نثر معاصر، انواع استعاره‌های مفهومی با حوزه‌های مبدأ و نگاشت‌های مشخص یافت می‌شود که قدرت تخیل و عبار تفکر انتزاعی شاعران و نویسندگان این‌گونه آثار را مشخص می‌کند. محقق در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست که چگونه می‌توان، تفاوت مفهوم‌سازی‌های جنگ در روایت زنان و مردان از جنگ تحمیلی را در قالب نظریه استعاره مفهومی و طرحواره‌ها بررسی کرد؟

مبانی تحقیق

۱- ادبیات جنگ: ادبیات جنگ به نوشته‌هایی گفته می‌شود که به نوعی به مسأله جنگ و مقوله‌های مرتبط با آن می‌پردازد و شامل هر نوع رمان یا خاطره و یا داستانی است که منحصرأ به موضوع جنگ می‌پردازد و تمام عناصر داستان در خدمت این موضوع است.

۲- زبان‌شناسی شناختی: در خصوص پیشینه زبان‌شناسی شناختی گفته‌اند: «زبان‌شناسی شناختی ریشه در ظهور علوم‌شناختی جدید در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، به‌ویژه در بررسی مقوله‌بندی در ذهن انسان و روان‌شناسی گشتالت دارد.» (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۳) زبان‌شناسان شناختی بر این نکته تأکید دارند که «الگوی زبان‌شناختی نه تنها باید به تبیین دانش زبانی افراد بپردازد؛ بلکه باید با دانشی که دانشمندان علوم شناختی از حوزه‌های دیگر شناخت به دست آورده‌اند، سازگار باشد.» (همان: ۱۷)

۳- **معناشناسی شناختی:** این شاخه از علم که در نتیجه تأثیرپذیری زبان‌شناسی از روان‌شناسی گشتالتی و روان‌شناسی شناختی پدید آمده معتقد است که تکوین استعاره و مجاز، مفاهیم و گزاره‌ها و مقوله‌بندی‌های ذهنی و زبانی از پدیده‌های جهان، همگی به‌عنوان بخشی از روند کلی شناخت آدمی از جهان خارج محسوب می‌شوند. به بیان ساده در این شاخه از علم، فرایندهای زبانی، زیرمجموعه‌ای از فرایندهای شناختی در معنای عام آن به‌شمار می‌آیند. معنی‌شناسی شناختی، معنی زبان را ساختاری مفهومی معرفی می‌کند که با دیگر رویکردها متفاوت است. (تالمی، ۲۰۰۰: ۴)

۴- **نظریه استعاره مفهومی:** نظریه استعاره مفهومی، اصطلاحی در علوم شناختی است که به فهم یک قلمروی انتزاعی بر اساس قلمروی ملموس اشاره می‌کند. برای مثال «هنگامی که می‌گوییم، عشق آنها به بن‌بست رسیده است؛ از مفهوم «بن‌بست» در قلمروی مفهومی «مسیر» برای درک کیفیت «عشق» که مفهومی انتزاعی است استفاده می‌کنیم.» (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۵۸) از نظر زبان‌شناسان شناختی، «استعاره به هرگونه فهم و بیان تصورات انتزاعی در قالب تصورات ملموس‌تر اطلاق می‌شود.» (سجودی، ۱۳۹۱: ۱۳۹)

۵- **طرحواره‌های فرهنگی:** اگر فرهنگ را «دانش و طرحواره‌های مشترکی که مجموعه‌ای از افراد برای درک، تفسیر، بیان و واکنش نسبت به واقعیت‌های اجتماعی - فرهنگی آنها را خلق می‌کنند.» (ر.ک. لیدراک، ۱۹۹۵: ۱۰-۹) به‌حساب آوریم، باید گفت که این طرحواره‌های مشترک و دانش را می‌توان با توجه به مفهوم‌سازی‌های مشترکی که حاصل بازنمایی‌های گروهی‌اند، شرح نمود. از آنجا که مفهوم‌سازی‌های جمعی بین تمام اعضای یک گروه مشترک می‌باشند، می‌توان آنها را معادل شناخت فرهنگی قلمداد کرد. منظور از شناخت فرهنگی، مفهوم‌سازی‌هایی است که در درون آنها، فرهنگ، نقش اصلی را به عهده دارد، دانشمندان حوزه علم شناختی، بر این عقیده هستند که شناخت فرهنگی، خود را در «استعاره‌های فرهنگی» و «طرحواره‌های فرهنگی» آشکار می‌سازد.

۶- **روایت‌شناسی شناختی:** برخی روایت‌شناسی شناختی را زیرشاخه علم زبان‌شناسی شناختی به‌شمار می‌آورند.

۷- روایت‌های زنانه و مردانه از جنگ: روایتی از جنگ تحمیلی ایران و عراق با موضوعیت و درون‌مایه جنگ که در آن نویسنده داستان، زن یا مرد باشد.

جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل هشت داستان در مورد جنگ تحمیلی تشکیل داده است که شامل چهار داستان با روایت زنانه و چهار داستان با روایت مردانه از جنگ تحمیلی می‌باشند:

الف) داستان‌هایی با روایت زنانه از جنگ تحمیلی:

۱- لشکر خوبان (معصومه سپهری، ۱۳۸۴)؛ دا (سیده زهرا حسینی، ۱۳۸۷)؛ دخترشینا (بهناز ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰)؛ نورالدین پسر ایران (معصومه سپهری، ۱۳۹۸).

ب) داستان‌هایی با روایت مردانه از جنگ تحمیلی:

۱- خاک‌های نرم کوشک (سعید عاکف، ۱۳۸۳)؛ فرمانده من (احمد خاوری و همکاران، ۱۳۸۶)؛ حکایت زمستان (سعید عاکف، ۱۳۸۷)؛ بابا نظر (رحیمی، ۱۳۸۸).

بحث و بررسی

۱- بررسی استعاره‌های مفهومی در روایت‌های مردانه از دفاع مقدس: استعاره‌های به کار رفته در گفتمان جنگ با توجه به حوزه‌های مبدأ، در هفت حوزه اعتقادات مذهبی، حیوانات، اعضای بدن، ورزش، تجارت و داد و ستد، آموزش و مدرسه و جان بخشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱-۱- استعاره اعتقادات مذهبی: در تحلیل استعاره‌های مرتبط با این حوزه مشاهده شد که حوزه اعتقادی - مذهبی یکی از پر کاربردترین حوزه‌های مبدأ می‌باشد؛ در واقع تصویری که نویسندگان از رزمندگان و میدان نبرد ارائه می‌دهند، تصویر مذهبی است و ریشه در باورهای دینی و اعتقادی دارد. در اغلب استعاره‌ها دیده می‌شود که به فضیلت و تقدیس از دفاع پرداخته شده است و می‌بینیم که جنگ میان ایران و عراق را دفاع مقدس نامیده‌اند که خود همین نام نیز استعاری است به این معنا که این جنگ و نبرد قابل تقدیس است و نبرد، نبردی ارزشی است؛ در

واقع جنگ میان ایران و عراق را جنگ میان حق و باطل نشان داده‌اند و معتقد هستند که در جبهه حق، شکست راه ندارد و چه بکشند و چه کشته شوند، پیروزند و حامی آنان خداوند است. رویکرد دفاعی هشت سال جنگ را با حوادث صدر اسلام و و عاشورای امام حسین(ع) پیوند داده‌اند و در واقع در ایجاد تصویری که از جنگ و جبهه و رزمندگان ارائه داده‌اند به شخصیت‌ها، روایت‌ها و موقعیت‌های تاریخی، اسلامی و مذهبی اشاره شده است. و همچنین با استفاده از برخی آیات و احادیث به ارزش و اهمیت دفاع اشاره کرده‌اند.

در بیشتر موارد، مشاهده شد که به نوعی میان حادثه کربلا و میدان جنگ، ارتباط برقرار کرده‌اند. رزمندگان نوجوان و جوان به صورت قاسم، نوجوان کربلا، فرزند امام حسن مجتبی(ع)، تداعی می‌شود و پیران جبهه به صورت حبیب‌بن مظاهر به تصویر کشیده می‌شود و پرستاری و مداوای مجروحان توسط زنان، پرستاری و حضور زینب(س) در عاشورا را تداعی می‌کند. در بعضی از استعاره‌ها، تأثیر فرهنگ مهدویت را می‌بینیم. از جمله تبعیت از نایب امام زمان(عج)، افتخار سربازی برای امام عصر(عج) و ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر(عج) که باعث شد حضور رزمندگان در جبهه‌ها بیشتر گردد. میان تمام جوامع بشری، جامعه تشیع با نگرشی گسترده به موضوع انتظار می‌نگرد و انتظار را آینده‌ای سرشار از پاکی‌ها و خوبی‌ها می‌داند که به وسیله فردی از نسل پیامبر اکرم(ص) حاصل می‌شود، شخصیت بزرگی که زنده است و روزی تمام خوبی‌ها و تمام عدالت را در جهان حاکم خواهد ساخت، بنابراین هر شخص منتظر، وظیفه دارد مقابل ظلم و ستم مبارزه کند و جامعه را به سمت آینده‌ای روشن جلو ببرد و در این راه، از هیچ کوششی - حتی فدا ساختن خود - دریغ نوزد؛ به دلیل این نوع اندیشه است که در تاریخ شیعه، نبردها و مبارزات رخ داده است. یکی از این مبارزات، جنگ دو کشور ایران و عراق می‌باشد که با این نگرش رزمندگان به میدان نبرد می‌رفتند. این نکته است که بسیاری از رزمندگان برای پیدا کردن ارتباط معنوی و حتی دیدار و ملاقات با حضرت مهدی(عج) در جبهه‌ها حضور می‌یابند. همچنین در نمونه‌هایی از استعاره‌ها می‌بینیم که رزمندگان، شب شهادت را شب زفاف و دامادی خود می‌دانند و در این شب، حنا می‌بندند و شادی می‌کنند و شهادت خود را حجله می‌بستند.

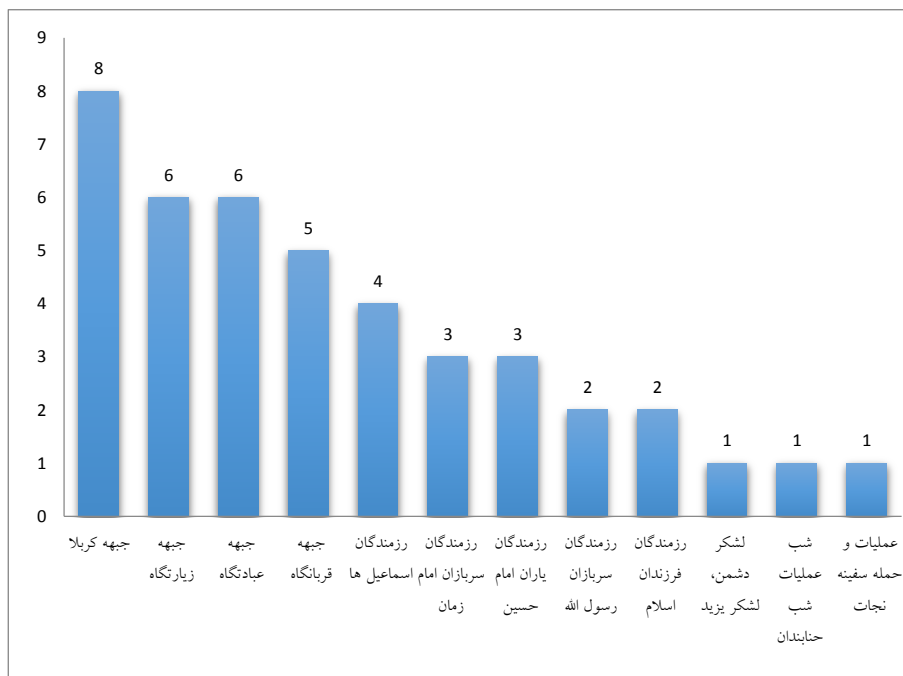
همان‌طور که می‌دانیم در فرهنگ ما از دیرباز، برای مردان جوانی که زودهنگام و پیش از ازدواج، از دنیا می‌رفتند، حجله‌ای سمبولیک می‌آراستند و بر سر کوی و برزنی که او در آن سکونت داشت، می‌نهادند. این حجله سمبولیک، به نحوی، ناکامی جوان از دست رفته را یادآور می‌شد؛ یا حتی می‌توان گفت که آن ناکامی را جبران می‌کرد. در سال‌های جنگ، «حجله» تا حدودی و به‌صورت موقت به یک نماد شهادت تبدیل شده بود؛ در آن دوران، اکثریت قریب به اتفاق جوانانی که ناکام از دنیا می‌رفتند، شهدای جبهه‌ها بودند. در واقع باورهای دینی رزمندگان را باید از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل معنوی و فرهنگی تأثیرگذار در جبهه دانست؛ و این باورهای دینی در انگیزه‌ها، خواسته‌ها، مسئولیت‌ها، ارزش‌های اخلاقی و رفتارشان تأثیر گذاشته بود؛ و این اعتقادات دینی رزمندگان به آنها انگیزه شرکت داوطلبانه در جنگ را می‌داد و باعث می‌شد که آنگاه آنها به مرگ متفاوت باشد. در جدول زیر به انواع استعاره‌هایی که در این حوزه استفاده شده است به همراه ذکر مثال از هر کدام می‌پردازیم.

جدول (۱) استعاره اعتقادات مذهبی در روایت‌های مردانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	جبهه کربلاست	۸	اینجا کربلاست و این یاران حسین‌اند و به انتظار عاشورای زمان می‌سوزند. (عاکف، ۱۳۸۳: ۶۳)
۲	جبهه زیارتگاه است	۶	چندمین بار است که جبهه را زیارت میکنم. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۲)
۳	جبهه عبادتگاه است	۶	آنها سنگر را عبادتگاه خود کرده‌اند. (همان: ۱۲)
۴	جبهه قربانگاه است	۵	آنان ابراهیم وار هجرت کرده‌اند و اسماعیل گونه سر به قربانگاه سپرده‌اند. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۸۳)
۵	رزمندگان اسماعیل‌ها هستند.	۴	اتوبوسها می‌روند و همهی اسماعیلها رو به دوکوهه. (عاکف، ۱۳۸۷: ۹۱)
۶	رزمندگان سربازان امام زمان هستند	۳	اینها اصحاب آخرالزمانی هستند که بعد از سیزده قرن به خونخواهی آمده‌اند. (عاکف، ۱۳۸۳: ۶۹)

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۷	رزمندگان یاران امام حسین هستند.	۳	این یاران حسین می‌روند تا در عاشورای آینده خود قربانی حسین شوند. (عاکف، ۱۳۸۷: ۱۸۱)
۸	رزمندگان سربازان رسول‌اله هستند	۲	خداوند چشمان دشمن را کور کرده است و نمی‌تواند لشکریان محمد را ببیند. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۱)
۹	رزمندگان فرزندان اسلام هستند	۲	فرزندان اسلام خود را در حکم فرزندان بانوی دو عالم می‌دانند چون حسین و حسن و دیگر فرزندان زهرا(س). (عاکف، ۱۳۸۷: ۱۷)
۱۰	لشکر دشمن، لشکر یزید است	۱	این طلایه داران عصر بشرت در برابر یزیدیان ایستاده‌اند و می‌جنگند. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۴۱)
۱۱	شب عملیات شب حنابندان است	۱	در اردوی سپاهیان حق حنابندان است آنها پیشاپیش پیروزی و یا شهادت خود را جشن می‌گیرند. (عاکف، ۱۳۸۳: ۲۹)
۱۲	عملیات و حمله سفینه نجات هستند	۱	شب حمله شب داخل شدن در سفینه نجات سیدالشهداست. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰)
	مجموع فراوانی	۴۲	

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده شد از اعتقادات و ارزش‌های دینی به‌صورت استعاری در گفتمان جنگ با دامنه وسیع استفاده شده است؛ در واقع می‌بینیم که آثار زیان‌بار جنگ مثل مرگ، زخمی شدن، تیر خوردن، ویرانی و خرابی و... با دیدگاه مذهبی و اعتقادی به‌صورت ارزش درآمده و آنها را نشان افتخار و مقبول شدن از سوی خدا می‌دانند؛ یعنی شهید و شهادت، ریشه در اعتقادات مذهبی دارد و نگاه به مرگ، نگاه تراژیک نیست، به این معنا که نویسنده با ایجاد یک فضای ایمانی، مذهبی، مضامین خاص ایدئولوژیک را منتقل می‌کند. در بررسی استعاره‌های مرتبط با این حوزه، مشاهده شد که استعاره «میدان جنگ، میدان کربلا است» به‌صورت هسته و استعاره کلان به‌کاررفته است که بیشتر استعاره‌های دیگر در این حوزه، پیرامون این استعاره هسته قرار دارند. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره اعتقادات مذهبی در داستان‌هایی با روایت مردانه ۴۲ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (جبهه کربلا است) می‌باشد.



نمودار ۱. نمودار فراوانی کاربرد استعاره اعتقادات مذهبی در مردان

۲-۱- ورزش و بازی: ورزش، بخشی از فرهنگ است و بین آن دو (ورزش و فرهنگ)، رابطه مستقیم وجود دارد. به طوری که شناخت ورزش بدون آگاهی از ارزش و کیفیت ریشه‌های فرهنگی یک جامعه امکان‌پذیر نیست. ورزش به عنوان محصول فرهنگی می‌تواند تصویر و نمادی از هر کشور را ایجاد کند. مثل فوتبال در کشورهای اروپایی، بسکتبال در ایالات متحده امریکا، کندو در ژاپن و گلوبازی در اسپانیا و ورزش‌های باستانی در ایران. اصطلاحات ورزشی در گفتگوی روزمره ما بسیار رایج است به طوری که ممکن است ما حتی از اینکه در حال استفاده از آنها هستیم، آگاه نباشیم. در بررسی داده‌ها مشاهده شد که در مواردی از اصطلاحات ورزشی به عنوان استعاره در گفتمان جنگ استفاده شده است و میدان نبرد، میدان ورزش‌های متفاوت در نظر گرفته شده است. هر ورزشی ویژگی‌های مشخصی دارد که از آنها برای اهداف استعاری در

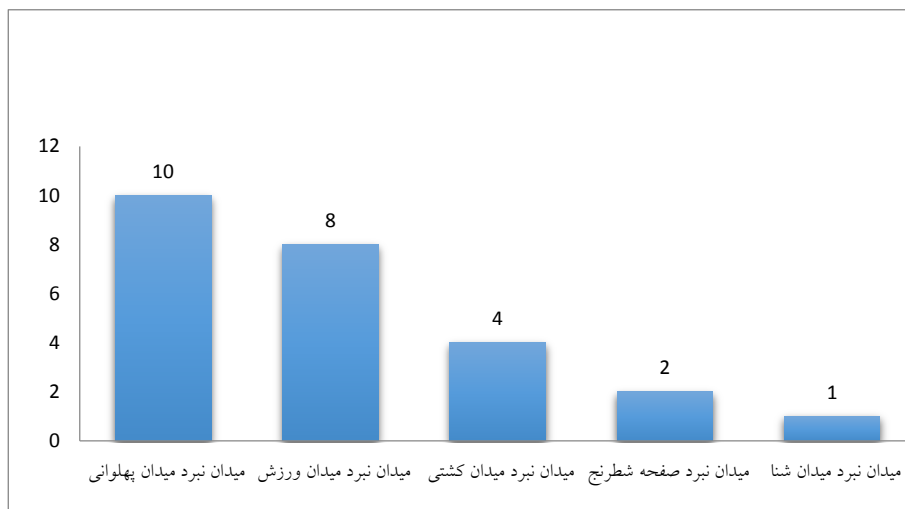
گفتمان جنگ استفاده شده است که در جدول زیر به انواعی از فعالیت‌های ورزشی که به‌عنوان حوزه مبدأ در استعاره‌ها استفاده شده است، اشاره می‌شود.

جدول ۲. استعاره ورزش و بازی در روایت‌های مردانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	میدان نبرد میدان پهلوانی است	۱۰	پهلوانان وارد گود می‌شوند. (عاکف، ۱۳۸۷: ۶۱)
۲	میدان نبرد میدان ورزش است	۸	در این ورزش باستانی که ضرب آن قابلمه و میل و تخت شنای آن تفنگ و کباده‌ی آن قبضه‌ی آریبجی است. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۰۴)
۳	میدان نبرد میدان کشتی است	۴	دشمن را ضربه فنی کردیم و پشتش را به خاک مالیدیم. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۱)
۴	میدان نبرد صفحه شطرنج است	۲	من سرباز پیاده شطرنج هستم. (عاکف، ۱۳۸۷: ۲۲)
۵	میدان نبرد میدان شنا است	۱	هوایماهای عراقی بالای سرمان شیرجه می‌زدند. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹۳)
		۲۵	

همان‌طور که می‌بینیم در میدان جنگ سربازان دشمن را مهره‌های سیاه و سربازان خودی را مهره‌های سفید در نظر گرفته‌اند؛ یعنی میدان جنگ را صفحه شطرنج دانسته‌اند. در واقع جنگ بین این دو، جنگ بین دو لشکر معنوی و مادی است و همچنین ورزش زورخانه‌ای و باستانی یکی از سنت‌های اصیل ایرانی است که در آن خلق و خوی و مروّت و جوانمردی و پهلوانی در ورزشکاران برانگیخته شده و پرورش می‌یابد؛ در این ورزش، ورزشکاران با ابزاری چون تخته‌شنا، میل، کباده، ... سروکار دارند و در اینجا سربازان را در میدان جنگ به ورزشکاران این میدان مانند کرده‌اند که برای پرورش روح جوانمردی و پهلوانی به میدان آمده‌اند و ابزارآلات جنگی را به ابزارهای ورزشی این نوع ورزش مانند کرده‌اند. همچنین در مواردی هم مشاهده شده که از ورزش کشتی و شنا نیز به‌صورت استعاری استفاده شده است. در این حوزه، استعاره هسته

یا کلان استعاره مشاهده نشد. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره ورزش و بازی در داستان‌هایی با روایت مردانه ۲۵ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره «میدان نبرد میدان پهلوانی است» می‌باشد.



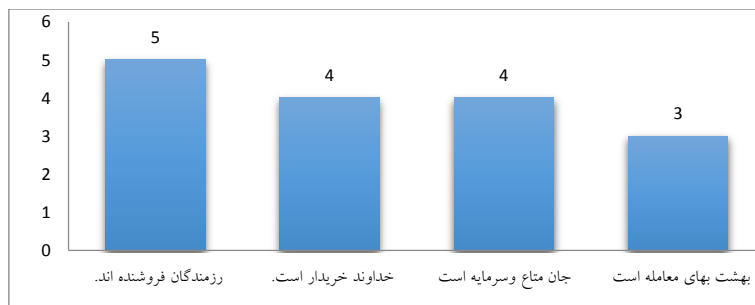
نمودار ۲. نمودار فراوانی کاربرد استعاره ورزش و بازی در مردان

۳-۱- تجارت و معامله: انسان در زندگی روزمره خود با دادوستد سروکار داشته است که این امر تأثیر بسیاری در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی با موضوع معامله دارد. در گفتمان جنگ نیز از مفاهیم مربوط به تجارت استفاده شده است. در بررسی داده‌ها مشاهده شد که جنگیدن و رفتن به جبهه با توجه به هزینه‌ها و سودهای اقتصادی و تجاری بیان شده است که در این معامله فروشندگان رزمندگان جبهه هستند و طرف خریدار خداوند است و کالای مورد معامله، جان رزمنده می‌باشد که بهای عرضه این کالا به دست آوردن بهشت و شهادت است. در جدول زیر انواع استعاره‌هایی که در این حوزه به کار رفته، با ذکر نمونه‌ای از هر کدام، آورده شده است.

جدول ۳. استعاره تجارت و معامله در روایت‌های مردانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	رزمندگان فروشنده اند	۵	در این میدان رزمندگان جان خود را به بهای بالاتر می‌فروشد. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۱)
۲	خداوند خریدار است	۴	خداوند جان‌های مومنان را به بهای بهشت خریداری می‌کند. (عاکف، ۱۳۸۳: ۸۱)
۳	جان متاع وسرمایه است	۴	جان برای جان برکفان متاعی بی‌ارزش است و در تقدیمش به خدا از هم سبقت می‌گرفتند. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۸۷)
۴	بهشت بهای معامله است	۳	دلیر مردانی که عشق به بهشت را با رفاه و آسایش معامله کردند. (همان: ۶۲)
		۱۶	

در جدول بالا مشاهده شد که گفتمان جنگ را با گفتمان معاملات اقتصادی و تجاری مانند کرده‌اند که طرفین معامله، خداوند و رزمندگان اسلام می‌باشند و نیروی دشمن متضرر است. استعاره هسته در این حوزه، استعاره «میدان نبرد میدان معامله است» می‌باشد که دیگر استعاره‌ها در این حوزه پیرامون آن می‌باشند. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره تجارت و معامله در داستان‌هایی با روایت مردانه ۱۶ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره «رزمندگان فروشنده‌اند» می‌باشد.



نمودار ۳. نمودار فراوانی کاربرد استعاره تجارت و معامله در مردان

۲- بررسی استعاره‌های مفهومی در روایت‌های زنانه از دفاع مقدس: پس از بررسی داده‌ها مشاهده شد که استعاره‌های به کار رفته در گفتمان جنگ با توجه به حوزه‌های مبدأ، ۷ حوزه می‌باشند که شامل: اعتقادات مذهبی، حیوانات، اعضای بدن، ورزش، تجارت و داد و ستد، آموزش و مدرسه و جان بخشی است که در اینجا، ترتیب قرارگیری آنها با توجه به میزان وابستگی فرهنگی شان می‌باشد. در ادامه به بررسی هر حوزه به صورت جداگانه پرداخته و سعی شده است که در هر حوزه در صورت موجود بودن، به استعاره هسته یا کلان آن حوزه نیز اشاره شود.

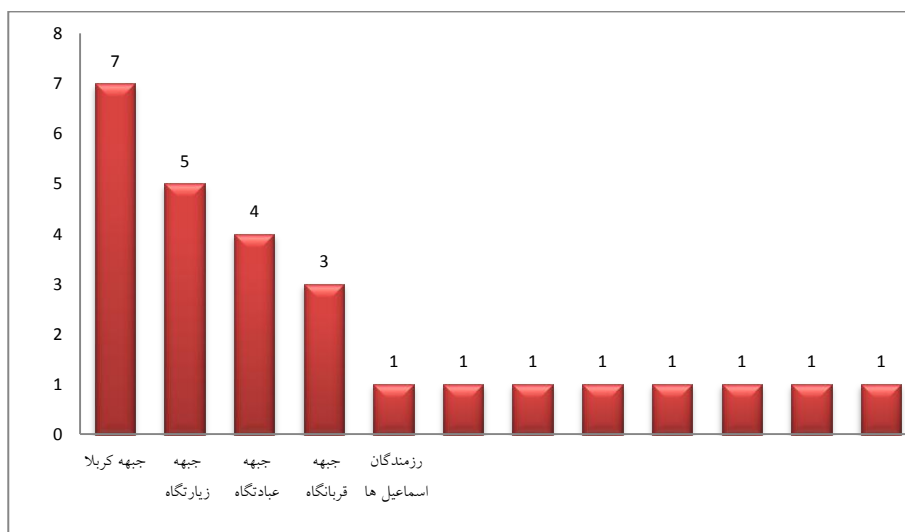
۲-۱- استعاره اعتقادات مذهبی: در جدول زیر به انواع استعاره‌هایی که در این حوزه استفاده شده است، به همراه ذکر مثال از هر کدام می‌پردازیم.

جدول ۴. استعاره اعتقادات مذهبی در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	جبهه کربلاست	۷	هر کس سر کربلایی شدن را داشته باشد با درنگ بیگانه است. (سپهری، ۱۳۹۰: ۱۸۳)
۲	جبهه زیارتگاه است	۵	آدمم تا بچه‌های خط را زیارت کنم. (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۸)
۳	جبهه عبادتگاه است	۴	بچه‌ها در عبادتگاه خود سجده شکر به جا آوردند. (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۸: ۳۸)
۴	جبهه قربانگاه است	۳	اسماعیلی به قربانگاه راهی می‌شود و مادری داغدار فرزند. (سپهری، ۱۳۸۴: ۸۳)
۵	رزمندگان اسماعیل‌ها هستند	۱	اسماعیل به قربانگاه رسید. (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۷)
۶	رزمندگان سربازان امام زمان هستند	۱	این یاوران صاحب الزمان در... (سپهری، ۱۳۹۸: ۱۶۹)
۷	رزمندگان یاران امام حسین هستند	۱	بعضی از شماها امشب به یاران حسین بن علی خواهید پیوست. (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۱)
۸	رزمندگان سربازان رسول‌الله هستند	۱	تاریخ تکرار می‌شود و سپاه پرتوان محمد به سان فتح مکه برای فتح دیگری به میدان آمده است. (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۴)

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۹	رزمندگان فرزندان اسلام هستند	۱	فرزندان اسلام این وظیفه تک تک شماست... (سپهری، ۱۳۹۸: ۲۴۲)
۱۰	لشکر دشمن، لشکر یزید است	۱	صحنه عاشورا بود ایمان پولادین می‌خواهد تا در مقابل یزیدیان بایستی. (سپهری، ۱۳۸۴: ۲۸)
۱۱	شب عملیات شب حناپندان است.	۱	امشب برای رزمندگان شب حناپندان است که... (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۶)
۱۲	عملیات و حمله سفینه نجات هستند	۱	در عملیات فردا برادرانمان به سفینه النجاه داخل می‌شوند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۴)
	مجموع	۲۷	

با توجه به بررسی انجام شده فراوانی کاربرد استعاره کاربرد اعتقادات مذهبی در داستان‌هایی با روایت زنانه ۲۷ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (جبهه کربلا است) می‌باشد.



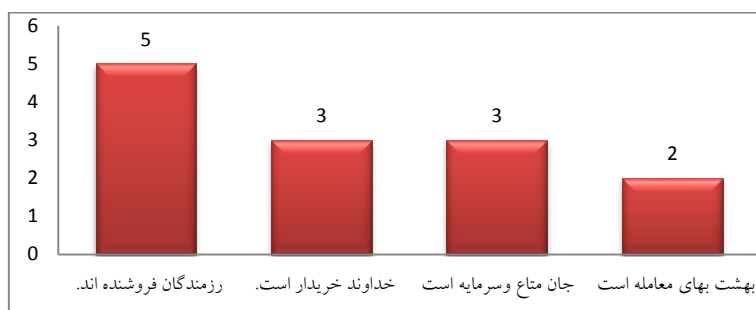
نمودار ۴. نمودار فراوانی کاربرد استعاره اعتقادات مذهبی در زنان

۲-۲- تجارت و معامله: انسان در زندگی روزمره خود با دادوستد سروکار داشته است که این امر تأثیر بسیاری در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی با موضوع معامله دارد. در گفتمان جنگ نیز از مفاهیم مربوط به تجارت استفاده شده است. در بررسی داده‌ها مشاهده شد که جنگیدن و رفتن به جبهه با توجه به هزینه‌ها و سودهای اقتصادی و تجاری بیان شده است که در این معامله فروشندگان رزمندگان جبهه هستند و طرف خریدار خداوند است و کالای مورد معامله، جان رزمنده می‌باشد که بهای عرضه این کالا به دست آوردن بهشت و شهادت است. در جدول زیر انواع استعاره‌هایی که در این حوزه به‌کاررفته، با ذکر نمونه از هر کدام، آورده شده است.

جدول ۵. استعاره تجارت و معامله در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	رزمندگان فروشنده اند	۵	رزمندگان اسلام جان خود را به بهایی ابدی می‌بخشند. (سپهری، ۱۳۸۴: ۷۲)
۲	خداوند خریدار است	۳	زهر جان خداوند خریدار جان آنهاست. (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۷)
۳	جان متاع و سرمایه است	۳	آنها جان بر کف به سوی خدا رفتند. (سپهری، ۱۳۸۴: ۱۰)
۴	بهشت بهای معامله است	۲	جانشان را به بهای بهشت برای کشور فدا کردند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۶)
	مجموع فراوانی	۱۳	

در جدول بالا مشاهده شد که گفتمان جنگ را با گفتمان معاملات اقتصادی و تجاری مانند کرده‌اند که طرفین معامله، خداوند و رزمندگان اسلام می‌باشند و نیروی دشمن متضرر است. استعاره هسته در این حوزه، استعاره «میدان نبرد میدان معامله است» می‌باشد که دیگر استعاره‌ها در این حوزه، پیرامون آن می‌باشند. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره تجارت و معامله در داستان‌هایی با روایت زنانه ۱۳ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره «رزمندگان فروشنده‌اند» می‌باشد.



نمودار ۵. نمودار فراوانی کاربرد استعاره تجارت و معامله در زنان

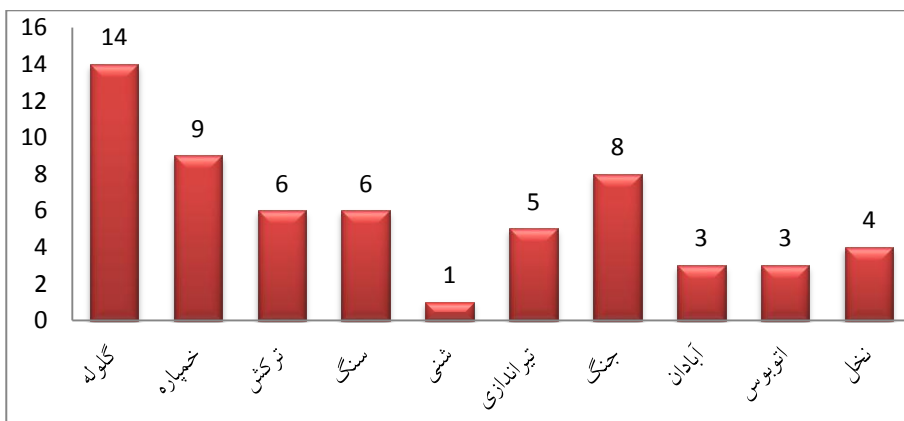
۳-۲- جان بخشی: همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، جان‌بخشی یکی از ابزارهای استعاری است که به صورت رایجی در ادبیات و همچنین در گفتگوی روزمره افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بررسی داده‌ها مشاهده شد که تعدادی از استعاره‌ها در گفتمان جنگ به صورت جان‌بخشی به اشیا و پدیده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است که در اکثر آنها ابزارآلات جنگی جان‌بخشی شده‌اند. در جدول زیر به انواع اشیا و پدیده‌هایی که به صورت استعاری در این حوزه، مورد استفاده قرار گرفته به همراه ذکر نمونه‌ای از هر کدام اشاره شده است.

جدول ۶. استعاره جان بخشی در روایت‌های زنانه

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۱	گلوله	۱۴	گلوله‌های بر زمین نشستند. (سپهری، ۱۳۹۸: ۱۷۳)
۲	خمپاره	۹	صدای خمپاره‌ها در بیمارستان به گوش می‌رسید. (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۲)
۳	ترکش	۶	ترکش‌ها جای سالم در بدنش نگذاشته بودند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۲)
۴	سنگر	۶	سنگرها یکی پس از دیگری فرو ریختند. (سپهری، ۱۳۹۰: ۲۳۱)
۵	شنی	۱	شنی تانک‌ها فریاد کنان نزدیک می‌شد. (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۲)

ردیف	استعاره	فراوانی	مثال
۶	تیراندازی	۵	صدای گلوله امانمان را بریده بود. (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۶)
۷	جنگ	۸	جنگ حرف‌ها داشت برای کودکان بی‌پناه... (سپهری، ۱۳۹۸: ۲۰۵)
۸	آبادان	۳	شهر (آبادان) با گوشت و پوستش جنگ را حس کرده بود. (سپهری، ۱۳۸۴: ۱۱)
۹	اتوبوس	۳	اتوبوس زوزه کشان ایستاد. (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۳)
۱۰	نخل	۴	نخل‌های بی‌سر هم خون‌گریه می‌کردند. (سپهری، ۱۳۹۸: ۲۴۹)
	مجموع فراوانی	۵۹	

جدول بالا نشان داد که اشیا و پدیده‌های مختلفی مانند؛ گلوله، ترکش خمپاره، تیراندازی، شنی، جنگ و... در گفتمان جنگ جان‌بخشی شده‌اند که این ویژگی یکی از ابزارهای استعاره می‌باشد. در این حوزه نیز استعاره هسته یا کلان استعاره مشاهده نشد. با توجه به بررسی انجام شده، فراوانی کاربرد استعاره جان‌بخشی در داستان‌هایی با روایت مردانه ۷۳ مورد می‌باشد که بیشترین فراوانی کاربرد استعاره (گلوله) می‌باشد.



بررسی طرحواره‌های فرهنگی در روایت‌های مردانه از دفاع مقدس

در این بخش به بررسی انواع طرحواره‌های فرهنگی در متن داستان‌های روایت شده توسط مردان می‌پردازیم و از هر نوع طرحواره چند نمونه به عنوان مثال ذکر می‌گردد:

۱- طرحواره رویدادی:

۱. امسال سال نو توی سنگر با سیم چین، سبد و سنگ و چند تا سین دیگه هفت سین چیدیم. (عاکف، ۱۳۸۳: ۶۱)

۲. مراسم حنابندان امیر بود داشتن حنا میاوردن بذارن دست داماد که صدای آذیر بلند شد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۶۹)

۳. توی بیمارستان صدای خانمی شنیده میشد که دردش تمامی نداشت. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۷)

۴. با جوونه زدن درختا و سبز شدن دشت، داشتیم صدای نوروز رو می‌شنیدیم. (عاکف، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

۵. برف سنگینی شروع به باریدن کرده بود که حکایت از کولاک و سرمای زمستون داشت. (عاکف، ۱۳۸۳: ۳۶)

۲- طرحواره نقشی:

۱. همسایه‌ها برای رزمنده‌ها، جوشون رو هم میدن. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۷)

۲. فرماندار شبانه روز کار می‌کرد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۴۹)

۳. ما به عمر سفره دار بودیم، مهمون نواز نبودیم، مهمون پرست بودیم. (همان: ۱۷۳)

۴. زن‌های ایرانی از مردهای ایرانی خطرناک ترند. (عاکف، ۱۳۸۳: ۵۸)

۵. باورم نمی‌شد که امتحان من اسارت باشد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

۶. خاک زیر پایش سرخ شده بود. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۵۳۲)

۳- طرحواره تصویری:

۱. الان در تیررس کامل عراقی‌ها قرار گرفتیم. (عاکف، ۱۳۸۷: ۷۴)

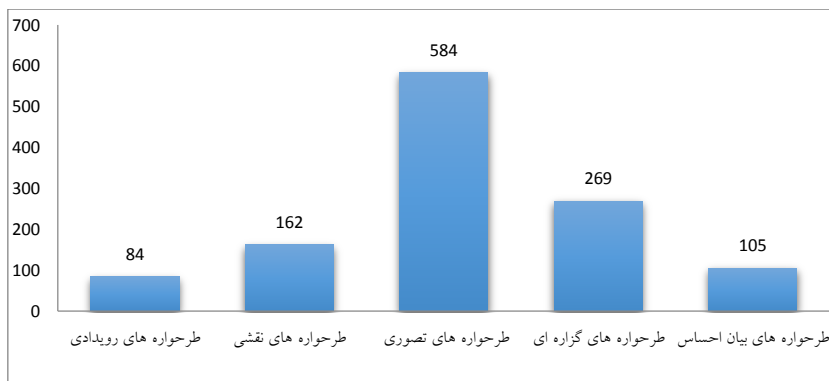
۲. خودش هم باورش نمی‌شد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۷۳)

۳. کنترل بیمارستان از دست رئیس بیمارستان و مدیر و پرستار خارج شده بود. (همان: ۱۱۸)
 ۴. می خواهیم میگ‌های عراقی را با تیر و کمانمان بزنیم. (عاکف، ۱۳۸۷: ۸۸)
 ۵. آگه شما غیرت و عرضه داشتید جنگ یک روزه رو بیست و یک روزه نمی‌کردید. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۴۸)
 ۶. همچنان حاضر نبودم دستهایم را پشت سرم نگه دارم. (عاکف، ۱۳۸۳: ۳۳)
 ۷. نگاه‌های چندش‌آور و کشدارشان از روی ما برداشته نمی‌شد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۶۹)
 ۸. سربازها او را دیدند که چطور رگ گردنش برآمده شد. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸)
 ۹. با قامتی درشت و چهره‌ای رنگ پریده و چشمانی بی‌رمق به خاک افتاده بود. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۵۹)
 ۱۰. با فشار دست می‌خواهیم خونریزی را بند آوریم. (عاکف، ۱۳۸۷: ۸۲)
- ۴- طر حواره گزاره‌ای:
۱. صدای آقا مرا از آن وضع نجات داد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۸۲)
 ۲. در این خانه زخمی بی‌در و دیوار... (عاکف، ۱۳۸۷: ۷۹)
 ۳. بیمارستان به همه چیز شبیه بود جز بیمارستان. (عاکف، ۱۳۸۳: ۶۲)
 ۴. می‌ترسیدم جنگ پاهیم را از من بدزدد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۷۶)
 ۵. تازه فهمیدم با روپوش یک پزشک تمام بیمارستان را طی کشیده بودم. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۰)
 ۶. در همین صحرای محشر عده‌ای از خدا بیخبر مغازه‌های مردم رو غارت می‌کردند. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۸۶)
 ۷. صفای شهر به آدماشه، نه به خشت و آجراش. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۲)
 ۸. انگار بمب اتم بودیم. (عاکف، ۱۳۸۳: ۶۳)
 - ۵- طر حواره بیان احساس:
 ۱. مسیر اهواز آبادان مرا آماده برخورد با صحنه دلخراش می‌کرد. (عاکف، ۱۳۸۷: ۷۲)

۲. حال آبادان روز به روز بدتر می‌شد. (همان: ۶۲)
 ۳. کار مهم تو همین بود. (خاوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۳)
 ۴. می‌ترسیدم از جلوی چشم کادر پرستاری دور شوم. (عاکف، ۱۳۸۳: ۲۹)
 ۵. بچه‌ها چشمانشان از شادی برق می‌زد. (رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۵۴)
- بررسی داده‌های حاصل از پژوهش نشان داد که کاربرد طرحواره‌های فرهنگی در روایت‌های مردانه از دفاع مقدس، بسیار زیاد می‌باشد و بیشترین طرحواره مورد استفاده در روایت‌های مردانه، طرحواره‌های تصویری با ۵۸۴ مورد هستند و طرحواره‌های رویدادی با ۸۴ مورد کمترین کاربرد را دارا می‌باشند.

جدول ۷. فراوانی طرحواره‌های فرهنگی در روایت‌های مردانه

فراوانی کاربرد	طرحواره‌های فرهنگی در مردان	
۸۴	طرحواره‌های رویدادی	۱
۱۶۲	طرحواره‌های نقشی	۲
۵۸۴	طرحواره‌های تصویری	۳
۲۶۹	طرحواره‌های گزاره‌ای	۴
۱۰۵	طرحواره‌های بیان احساس	۵
۱۲۰۴	مجموع فراوانی	



نمودار ۷. نمودار فراوانی کاربرد طرحواره‌های فرهنگی در مردان

بررسی طرحواره‌های فرهنگی در روایت‌های زنانه از دفاع مقدس

در این بخش به بررسی انواع طرحواره‌های فرهنگی در متن داستان‌های روایت شده توسط زنان می‌پردازیم و از هر نوع طرحواره، چند نمونه به عنوان مثال ذکر می‌گردد:

۱- طرحوارهٔ رویدادی:

۱. خبر سال نو به همراه نسیم بهاری و با انرژی و هیجانات فضای موجود... (سپهری، ۱۳۸۴:

۵۹)

۲. همیشه یکی از همسایه‌ها یا زاییده بود یا شیر می‌داد. (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۴)

۳. درد مادرت تمامی نداشت. (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۶)

۲- طرحوارهٔ نقشی:

۱. بر اساس قانونی که پدرم وضع کرده بود همه پسرها در یک اتاق و دخترها در اتاق دیگر

می‌خوابیدیم. (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۲)

۲. هواپیماهای جنگنده عراقی با هم مسابقه گذاشته بودند. (سپهری، ۱۳۸۴: ۶۹)

۳. شهر به دریایی پر تلاطم و طوفانی تبدیل شده بود. (همان: ۹۰)

۳- طرحوارهٔ تصویری:

۱. آفتاب سوزان و هوای شرجی و گرمای پنجاه درجه، همه را یک شکل و یک رنگ کرده

بود. (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۳)

۲. اولین لحظات حرکت قطار زندگی از مبدأ کودکی ام. (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۳)

۳. طعم خاطرات کودکی ام به طعم خرما می‌ماند. (سپهری، ۱۳۸۴: ۱۹)

۴- طرحوارهٔ گزاره‌ای:

۱. با چادر سفید از خانه پدر رفتن و با کفن برگشتن. (سپهری، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

۲. توی این کوچه‌ها به دنیا آمدیم پا گرفتیم و قد کشیدیم. (سپهری، ۱۳۸۴: ۱۱)

۳. اگر به این گل‌ها دست بزنی دستت مثل زهر مار تلخ می‌شود. (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۵)

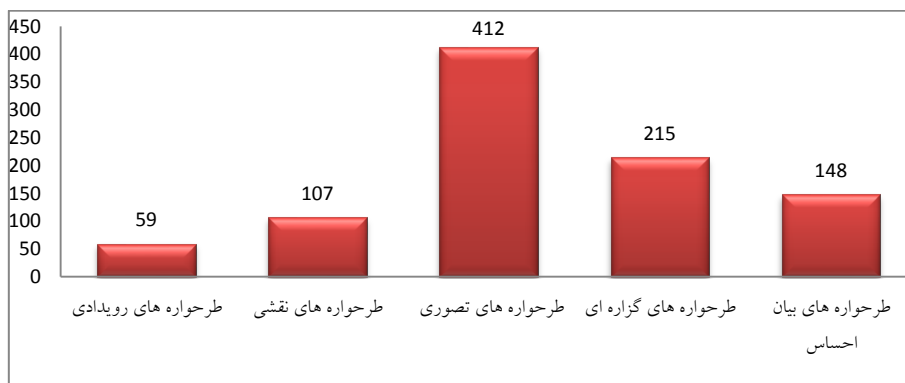
۵- طرحوارهٔ بیان احساس:

۱. بغض کرده بودم و جوابی برایش نداشتم. (سپهری، ۱۳۹۸: ۲۶۱)
۲. انگار واژه‌ها نمی‌توانستند به احساساتم ادای دین کنند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۷)
۳. حضورشان برای ما قوت قلب بود. (سپهری، ۱۳۸۴: ۱۴)

بررسی داده‌های حاصل از پژوهش نشان داد که کاربرد طرحواره‌های فرهنگی در روایت‌های زنانه از دفاع مقدس، بسیار زیاد می‌باشد و بیشترین طرحواره مورد استفاده در روایت‌های زنانه طرحواره‌های تصویری با ۴۱۲ مورد هستند و طرحواره‌های رویدادی با ۵۹ مورد کمترین کاربرد را دارا می‌باشند.

جدول ۸. فراوانی طرحواره‌های فرهنگی در روایت‌های زنانه

فراوانی کاربرد	طرحواره‌های فرهنگی در زنان
۵۹	طرحواره‌های رویدادی
۱۰۷	طرحواره‌های نقشی
۴۱۲	طرحواره‌های تصویری
۲۱۵	طرحواره‌های گزاره‌ای
۱۴۸	طرحواره‌های بیان احساس
۹۴۱	مجموع فراوانی



نمودار فراوانی کاربرد طرحواره‌های فرهنگی در زنان

نتیجه

با بررسی‌های انجام شده و تحلیل و تحلیل نتایج حاصل از پژوهش، مشخص گردید که تفاوت مفهوم‌سازی مردانه و زنانه از جنگ تحمیلی را می‌توان بر اساس نظریه استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های فرهنگی بررسی نمود، با تحلیل صورت گرفته و بررسی نتایج مشخص شده که در مفهوم‌سازی زنان و مردان از جنگ تحمیلی حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی در هر دو جنسیت زن و مرد مورد استفاده قرار گرفته اند؛ اما دارای اندک تفاوت‌هایی از نظر میزان فراوانی کاربرد در هر جنس هستند، طرحواره‌ای فرهنگی نیز فراخور کاربرد آنها در روایت‌های زنانه و مردانه با یکدیگر متفاوت می‌باشند؛ لذا فرضیه اول مورد تأیید می‌باشد. به دلیل ماهیت جنگ در ذهن زنان و مردان، شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی میان استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های به کار رفته در روایت زنانه و مردانه از جنگ وجود دارد.

با توجه به بررسی انجام شده در پژوهش مشخص گردید که ماهیت جنگ در ذهن مردان و زنان تقریباً مشابه یکدیگر است و آنها در روایت‌های خود ساختارهای استعاری مشابهی را به کار می‌برند و تفاوت موجود در میزان کاربرد انواع استعاره و طرحواره‌ها در ذهن زنان و مردان در روایت‌های خود از جنگ تحمیلی می‌باشد. بنابراین فرضیه دوم قابل قبول است.

در شکل‌گیری استعاره‌های مفهومی در روایت‌های زنانه و مردانه از حوزه‌های مبدأ اعتقادات مذهبی، اعضای بدن، ورزش و بازی، آموزش و مدرسه، حیوانات، تجارت و معامله، جان بخشی به اشیا استفاده شده است که این استعاره‌ها در تعداد کاربرد در زنان و مردان با یکدیگر متفاوت هستند و میزان کاربرد این حوزه‌های مبدأ در روایت‌های مردانه بیشتر از زنانه است.

معنای فرهنگی جنگ در روایت‌های زنانه و مردانه تا حدودی مشابه یکدیگر هستند که این میزان تشابه به دلیل ماهیت ذاتی و خشن جنگ است که نمی‌توان چیزی به غیر از کشتار انسان‌ها از آن درک نمود، اما از نظر فرهنگی اعتقادی و دینی ما جنگ تحمیلی چون به نوعی دفاع از کشور در برابر دشمن و حفظ کشور و دین محسوب می‌گردد، تا اندازه‌ای صورت کشته شدن و مردن را به اعتقادات مذهبی پیوند می‌دهد و منشی معنوی در این پدیده ایجاد می‌کند، که منجر به

ایجاد معنای فرهنگی جدیدی در ذهن افراد می‌گردد، به دلیل ماهیت زنانگی در جنس مؤنث و داشتن مهر و عطوفت بیشتر، معنای فرهنگی دفاع مقدس در روایت‌های زنانه به برجسته کردن از خودگذشتگی‌ها، ایثار، مهربانی و گذشت، در شرایط سخت و طاقت فرسای جنگ اشاره دارد که این معنای فرهنگی با معنایی که در ذهن مردان ایجاد شده تا اندازه‌ای متفاوت است، اما از دیدگاه مردانه نیز چون جنگ تحمیلی دفاع از کشور محسوب می‌گردد تا اندازه‌ی زیادی کشته شدن در جنگ، شرکت در جنگ به نوعی مقدس شمرده می‌گردد و بر جنبه‌های مختلف عواطف انسانی و مثبت اشاره دارد.

منابع و مآخذ

کتاب:

- حسینی، سیده زهرا. ۱۳۸۷. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۷.
- خاوری‌نژاد، علی‌اکبر و همکاران. فرمانده من. تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ شصت و پنجم، ۱۳۸۶.
- رحیمی، مصطفی. بابانظر: خاطرات شفاهی شهید محمدحسن نظرنژاد. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸.
- سپهری، معصومه. لشکر خویان، خاطرات مهدی قلی رضایی. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۴.
- _____؛ غیور، موسی. نورالدین پسر ایران: خاطرات سیدنورالدین عافی، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۸.
- سرمد زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشرآگه، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
- ضرابی‌زاده، بهناز. دختر شینا. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
- عاکف، سعید. حکایت زمستان. تهران: انتشارات ملک اعظم، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- _____ خاک‌های نرم کوشک: خاطرات خانواده و هم‌زمان شهید. تهران: انتشارات ملک اعظم، چاپ ۲۲۵، ۱۳۸۳.
- لیکاف، جرج؛ جانسون، مارک. استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، ترجمه هاجر آقا ابراهیمی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۴.

معروف، مجتبی. استعاره‌های مفهومی شهید و شهادت در شعر دفاع مقدس. همایش ملی ادبیات پایداری، دانشگاه گیلان، رشت، ۱۳۹۵.

مقالات:

افراشی، آریتا؛ مقیمی‌زاده، محمدمهدی. «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی»، مجلهٔ زبان‌شناخت، شمارهٔ ۲ (پیاپی ۱۰)، سال پنجم، صص ۲۰-۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

رضویان، حسین؛ طاهری، محسن، «استعارهٔ دستوری اندیشگانی در ترجمه: بررسی رمان سالار مگس‌ها»، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، شمارهٔ ۱، دورهٔ ۹، صص ۹۸-۷۱، بهار ۱۳۹۸.

شرف‌زاده، محمدحسین؛ زارع، امین. «بررسی شناختی مفهوم استعارهٔ ترس در زبان فارسی». مجموعهٔ مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، شمارهٔ ۲۸۰، صص ۴۰۷-۴۰۰، ۱۳۹۱.

مهربانی گلزار، محمد رضا؛ خمسه عشری، علی اکبر. «منظر یادمانی جنگ از واقع‌نمایی تا استعاره». فصلنامهٔ منظر، شمارهٔ ۳۴، دورهٔ ۸، صص ۸۱-۶۸، بهار ۱۳۹۵.

موسوی، سیده‌ندا؛ زابلی‌زاده، اردشیر. «بررسی نقش استعاره درگفت‌مان خبری رسانه‌های بین‌المللی». مجلهٔ مطالعات رسانه‌های نوین، سال اول، شمارهٔ ۲، صص ۵۰-۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

Evans, V. and Melanie Green (2006) **Cognitive Linguistics An Introduction**. Edinburg University Press Ltd.

Geraerts, D., ed. (2006a). **Cognitive Linguistics: Basic Readings**. Berlin: Mouton de Gruyter.

Herman, D. (2000). **Review of Monika Fludernik, Towards a 'Natural Narratology'**. Language 76 (2000): 199-200.

Lakoff, G. & Johnson, M. (1980); "Metaphors we live by", In Chicago & London Chicago university Press.

Lederach, J.P. (1995). **Plant Metaphors in English Economic Newspaper Texts**. Oxford: Oxford university press.

Talmy, Leonard (2000) **Toward a Cognitive Semantics** (2vols). Cambridge, MA: MIT Press.

Conceptual metaphors in front and war prose works with a semantic approach

Touraj doshman ziyari¹, Seyed Mahmoud Seyed Sadeghi Ph.D^{2*},
Seyed Ahmad Hosseini Kazerouni Ph.D³

Abstract

Due to the nature of war in the minds of men and women, there are significant similarities and differences between the conceptual metaphors and schemas used in the male and female narratives of war. In the formation of conceptual metaphors in female and male narratives, different areas of origin in female and male narratives of sacred defense have been used. The cultural meaning of sacred defense in female narratives is different from the cultural meaning of this phenomenon in male narratives. The present study is a descriptive-analytical study that has studied the conceptual metaphors and cultural schemas in the feminine and masculine narratives of the sacred defense with the help of the library method. And the femininity of war can be examined in the form of conceptual metaphor theory and schemas? What are the similarities and differences between the conceptual metaphors and schemas used in the male and female narratives of war? What areas of origin have been used in the formation of conceptual metaphors in male and female narratives? What is the difference between the cultural meaning of war in female narratives and the cultural meaning of this phenomenon in male narratives of war? The results indicate that the differences between male and female conceptualizations of war can be examined in the form of conceptual metaphor theory and schemas.

Keywords: Conceptual metaphors, cultural schemas, female narrative, male narrative, sacred defense.

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Email: turaj1346d@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran. (Author)

Email: sadeghi.mhmood33@yahoo.com

3. Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Email: : Sakhazerooni@yahoo.com